

«مقاله پژوهشی»

حیات انسان پیش از دنیا در اندیشه ملاصدرا و علامه مجلسی ابراهیم علی پور^۱، اکرم قربانی قمی^۲

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول): i.alipour@isca.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری کلام امامیه، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران: akfa313@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۰۶

Mulla Sadra and Allameh Majlisi on the Human Life before Being Born in this World

Ebrahim Alipour¹, Akram Ghorbani Qomi²

1. Assistant Professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran (Corresponding Author);

i.alipour@isca.ac.ir

2. Ph.D. Student in Imami Theology, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran; akfa313@gmail.com

Abstract

Some verses and a large number of hadiths emphasize the presence of man in the universe before this world. The intellectuals of various areas of hadiths, interpretation, philosophy, theology, and etc. have presented a variety of opinions in explaining these verses and traditions. Mulla Sadra, The leader of the philosophical flow of the Isfahan's school, who claims to be a link between Sharia and Philosophy, has an inescapable analysis of these hadiths. According to his intellectual system, he confines all possibilities of existence in the threefold realms of Intellect, Idea, and Nature. Mulla Sadra considers a correlation between the life before this world and the universe of intellect- which is superior to the material world- and the human beings are in that universe as intellectual collective unit. It is ready to be given to material bodies after gradual degradation. Allameh Majlisi, the representative of the Hadith's course of Isfahan school, accepts the existence of souls before bodies, and the arguments of origination of souls, in the same time as the bodies, are problematic, so that we cannot deny the hadiths based on those arguments.

Keywords: Mulla Sadra, Allameh Majlisi, universe before nature, soul's universe, zar universe.

چکیده

برخی آیات و تعداد زیادی از روایات به حضور انسان در عوالم پیش از دنیا تصریح دارند. اندیشمندان حوزه‌های مختلف حدیث، تفسیر، فلسفه، کلام و... در تبیین این آیات و روایات، آراء متنوعی ارائه کرده‌اند. ملاصدرا، رهبر جریان فلسفی مدرسه اصفهان که مدعی پیوند شریعت و فلسفه است، تحلیلی بدیع از این روایات دارد. وی بنا بر نظام فکری خویش، تمام وجودات امکانی را در سه عالم عقل، مثال و ماده منحصر می‌کند. او عالم پیش از دنیا را بر عالم عقل تطبیق می‌دهد که بر عالم ماده تقدم رتبی دارد و انسان در آن به صورت حقیقت واحد جمعی عقلی حاضر است که پس از تنزل تدریجی، به بدن‌های مادی تعلق می‌گیرد. علامه مجلسی، نماینده جریان حدیث‌گرای مدرسه اصفهان، تقدم ارواح بر بدن‌ها را پذیرفته و ادله قائلین به حدوث ارواح هم‌زمان با حدوث بدن‌ها را دارای اشکال می‌داند به گونه‌ای که نمی‌توان با استناد به آنها روایات را رد کرد.

واژگان کلیدی: ملاصدرا، علامه مجلسی، عوالم پیش از دنیا، عالم ارواح، عالم ذر.

مقدمه

از دنیا ارتباطی وثیق دارند؛ مسائلی اساسی که مکاتب فلسفی و ادیان الهی به آن پرداخته و اندیشمندان حوزه‌های مختلف همچون فلسفه، کلام، عرفان، حدیث و... به آن اهتمام داشته‌اند. تحلیل صحیح این مسائل و همچنین پاسخ به شبهات پیرامون آنها، بدون تبیین روشن از عالم پیش از دنیا و نحوه حضور انسان در آن عالم امکان‌پذیر نیست.

آیات قرآن بر وجود عالمی پیش از دنیا و حضور همه انسان‌ها در آن عالم اشاره دارند. آیه میثاق (اعراف/ ۱۷۲) از مهم‌ترین آیاتی است که از عهد و میثاق خداوند با انسان و اقرار انسان به ربوبیت خدا بعد از شناخت حضوری از خویشتن، سخن گفته است. همچنین در کتب معتبر حدیثی شیعه حجم فراوانی از روایات بر وجود انسان پیش از دنیا دلالت دارند. در این احادیث به وجود انسان در دو عالم ارواح و عالم ذر تصریح و تأکید شده است. تعدد آیات و روایات این باب تأثیر به‌سزایی در جهت‌دهی و توجه اندیشمندان مسلمان به این موضوع داشته است.

دانشمندان در حوزه حدیث، تفسیر، کلام، فلسفه و... در مواجهه با روایات این باب، رویکردهای متفاوت داشته و تبیین‌های متنوعی ارائه کرده‌اند؛ گروهی وجود انسان در عالمی پیش از دنیا را انکار می‌کنند، در مقابل، برخی ظاهر روایات را پذیرفته و عده‌ای نیز به دلیل اشکالات نقلی و عقلی وارد بر این دسته از روایات، مانند امتناع تعطیل و تناسخ، به تأویل ظاهر روایات پرداخته‌اند. آیات و روایات این باب گاه با یکدیگر به تعارض می‌رسند. در مواردی نیز نظرات متنوع و احیاناً متضاد اندیشمندان، با نصوص دینی تعارض پیدا می‌کنند، بنابراین موضوع انسان پیش از دنیا با دو نوع تعارض همراه است. از طرفی متون دینی این مبحث حاوی معارفی است که با مبانی عقلی تقابل دارد.

نفس انسان از شگفت‌آورترین و بدیع‌ترین پدیده‌های آفرینش است که ره‌آورد شناخت آن، ایمان به مبدأ، وحی و معاد می‌باشد. قرآن بر دو راه سیر انفسی و آفاقی برای رسیدن به معرفت الهی تأکید و تأکید کرده است. در روایات معصومین (علیهم السلام) نیز شناخت نفس، مقدمه رسیدن به معرفت رب، سودمندترین معارف، بالاترین حکمت‌ها و نهایت معرفت معرفی شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳/ ۳۲؛ آمدی، ۱۴۱۰: ۵/ ۱۲۳). شناخت نفس از پیچیده‌ترین و دشوارترین علوم است (ملاصدرا، ۱۳۶۱ الف: ۲۳۴) تا آنجا که عقلا در معرفت نفس متحیر مانده، و بسیاری از آنان در شناخت آن اظهار عجز کرده‌اند (حسن زاده آملی، ۱۳۷۹: ۱۲). از مهم‌ترین و در عین حال غامض‌ترین و مبهم‌ترین مباحث علم‌النفس، مسئله مبدأ خلقت انسان و آغاز پیدایش نفس است که ابعاد گوناگونی دارد و بررسی آن از وجوه مختلف اهمیت می‌یابد.

برای انسان چهار دوره حیاتی قابل تصور است؛ دوره پیش از دنیا، دنیا، برزخ و آخرت. در هر یک از این نشئات، نفس انسان ماهیتی ویژه، همراه با آثار و احکام مخصوص دارد؛ در عین حال، در تمام مراحل هستی، حقیقت او ثابت است و این مراحل رها و بدون ارتباط با یکدیگر نیستند. مقصد انسان جاودانه، جهان آخرت است. در صورت پذیرش حیات نفس قبل از دنیا، معرفت به آن و چگونگی ارتباط و نسبت آن مرحله از حیات با عالم دنیا، در راهبرد انسان به سمت جهان آخرت کارساز است.

بسیاری از مسائل بنیادین انسان‌شناسی همچون اولین آفرینش الهی^(۱)، طینت^(۲)، معرفت فطری^(۳)، سرشت و سرنوشت، سعادت و شقاوت، جبر و اختیار و همچنین عدل الهی، با موضوع انسان پیش

معصومین (ع)، در ارائه تبیین و تفسیری نوین از حیات انسان پیش از دنیا، نزد اهل معقول و منقول عالمان مسلمان و نیز تطبیق آن با مبانی فکری ایشان، نقش به‌سزایی داشته‌اند. از این رو قبل از تبیین و بررسی اندیشه نمایندگان مکتب اصفهان، بررسی متون دینی در این موضوع، فهم و تحلیل رویکرد ایشان را تسهیل می‌نماید.

روایات مربوط به حیات پیشین انسان در میان محدثان و عالمان شیعه مورد توجه قرار گرفته، به‌گونه‌ای که حجم زیادی از متون حدیثی شیعه به آن اختصاص دارد. در مراجع حدیثی اهل سنت نیز این روایات با سندهای مختلف و از طرق گوناگون آمده است (طبری، بی‌تا: ۹ / ۱۴۸؛ سیوطی، ۱۴۰۹: ۳ / ۱۴۱: ابن‌کثیر، ۱۹۹۹: ۲ / ۲۷۳). این احادیث در ابواب گوناگون از جمله فطرت، خلقت، طینت، عالم ارواح، عالم ذر و... آمده که با یگدیگر پیوند معنایی دارند. دانشمندان امامیه در عصر حضور ائمه (ع) در این احادیث را بدون نقد و اشکالی برآن، نقل کرده‌اند؛ از این رو به‌نظر می‌رسد ائمه این روایات را تلقی به قبول کرده‌اند. روایات این باب نزد اندیشمندان این دوره چنان اهمیت یافته که برخی کتاب‌هایی مستقل با همین عناوین نگاشته‌اند؛ به‌عنوان مثال، کتاب الاظله منسوب به محمد بن سنان (حلی، ۱۴۱۷: ۳۲۱).

در لسان اهل بیت (ع)، واژه‌های «ارواح و اظله» و «ذر» به صورت مکرر استعمال شده و برای هر یک از این عوالم، اختصاصات و تمایزاتی ذکر شده است که با توجه به آن می‌توان حضور انسان پیش از دنیا را در دو عالم متمایز «ارواح و اظله» و «عالم ذر» بررسی و تحلیل محتوای روایات را نیز در دو گروه انجام داد.^(۴)

۱. عالم ارواح و اظله

روایات عالم ارواح از حضور انسان به صورت

سازگاری بین ظاهر شرع و این مبانی چالش‌هایی در بین متفکران این حوزه، آن را به یکی از مسائل اختلافی و چالش‌برانگیز در حوزه انسان‌شناسی تبدیل کرده است.

مبحث انسان پیش از دنیا، از فروع بحث حدوث و قدم نفس می‌باشد که از مهم‌ترین و کهن‌ترین مباحث انسان‌شناسی فلسفی و محل اختلاف و تکرر آرای متفکران است. فیلسوفان مسلمان که به آموزه‌های دین اسلام معتقد و همواره دغدغه اثبات آموزه‌های دین از طریق براهین عقلی را داشته‌اند، این مبحث را مورد توجه قرار داده و کوشیده‌اند ابهامات آن را برطرف سازند.

از سویی، مدرسه اصفهان جایگاهی رفیع در رشد و بالندگی علوم اسلامی دارد. وجود عالمان برجسته و جریان‌های گوناگون فلسفی با رویکرد مشایی و حکمت‌متعالیه و نیز جریان‌های کلامی با رویکرد فلسفی و حدیث‌گرا، آن را ممتاز ساخته است. با توجه به این ویژگی‌ها، بررسی دیدگاه اندیشمندان این مدرسه در حیات انسان پیش از دنیا، می‌تواند در ایجاد سازگاری بین رهیافت‌های عقل و نقل، راهگشا باشد.

بررسی نصوص دینی مرتبط با حیات انسان

پیش از دنیا

تحقق عوالمی پیش از دنیا و حضور انسان در آن عوالم، از جمله مسائلی است که نمی‌توان آن را تنها از طریق عقل اثبات یا انکار کرد و برای تبیین و تحلیل آن، بررسی آیات و روایات ضروری است. آغاز پیدایش نفس، مسئله‌ای کهن و بنیادین در نفس‌شناسی است که همواره مورد توجه اندیشمندان علوم مختلف، به‌ویژه فیلسوفان بوده و بخش زیادی از آثار ایشان را به خود اختصاص داده است. بی‌شک نصوص دینی، از جمله روایات

مجرد روح بدون بدن در مرحله‌ای پیش از دنیا خبر می‌دهند. مضامین برخی روایات، تقدم آفرینش ارواح بر اجساد را اثبات و بر آن تأکید دارند و گروه دوم روایات این باب به ویژگی‌های آن دوره از حیات انسان اشاره دارد. بنا بر محتوای برخی احادیث گروه اول، عالم ارواح یک عالم فراگیر و همگانی بوده که در آن ارواح همه انسان‌ها بدون استثنا، دو هزار سال قبل از بدن‌ها خلق شده‌اند؛ اما دسته دیگری از این روایات بر تقدم دوهزارساله ارواح شیعیان (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۴۳۸) یا حداقل برخی از ارواح مقدس؛ همچون نفس پیامبر (ص) و ائمه (ع) دلالت دارند^(۵) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۵/۹۹). با توجه به اینکه در روایات، زمان تقدم ارواح متفاوت بیان شده، می‌توان نتیجه گرفت تقدم ارواح به صورت مطلق با تقدم آفرینش ارواح به صورت خاص منافاتی ندارد (همان: ۱۶۸/۵۴).

دسته دوم از احادیث عالم ارواح، به ویژگی‌ها و وقایعی از آن عالم اشاره دارند. امتیاز ارواح از یکدیگر، حضور دسته جمعی ارواح در کنار یکدیگر، ائتلاف و اختلاف ارواح، رتبه و درجه‌بندی ارواح در آن عالم، عرضه ارواح مؤمنین به پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع)، معرفی روح پیامبر (ص) و امام علی (ع) به همه انسان‌ها، از جمله رویدادهای عالم ارواح است.^(۶)

در مواجهه با این روایات، عالمان شیعه دو رویکرد متفاوت داشته‌اند؛ برخی همچون شیخ صدوق و کلینی، با نقل روایات عالم ارواح و با توجه به ظاهر احادیث، قول خلقت ارواح پیش از بدن‌ها را پذیرفته‌اند. گروهی دیگر رویکرد تأویلی به روایات دارند. می‌توان گفت اولین اندیشمندان امامیه که در مواجهه با این روایات موضع منفی گرفتند و رویکرد تأویلی به آن داشته‌اند، متکلمان مدرسه بغداد، همچون شیخ مفید (۱۴۱۳: ۵۳-۵۴)

و سید مرتضی (۱۴۰۵: ۴/۳۱-۳۰) بوده‌اند. اعتقاد به خبر واحد بودن این روایات، از جمله دلایل ایشان در گرایش به این رویکرد است؛ درحالی‌که با توجه به تعداد روایات این باب و همچنین تنوع طرق آن، این نظر قابل پذیرش نیست. شیخ عبدالنقی عراقی تعداد ۲۶ روایت در باب «خلق ارواح دو هزار سال قبل از بدن‌ها» آورده و آنها را متواتر لفظی میدانند (عراقی، ۱۳۸۲: ۱۸۶ به نقل از بیابانی، ۱۳۹۴: ۳۴۶).

علامه مجلسی روایات این باب را قریب به تواتر دانسته (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۱/۱۴۱) و در پاسخ به شیخ مفید و سید مرتضی، بیان می‌کند احادیث این باب مستفیض هستند (همان: ۶/۲۵۵). ملاصدرا با توجه به تعداد زیاد این روایات، اعتقاد به خلقت ارواح قبل از بدن‌ها را از ضروریات مذهب امامیه دانسته است (ملاصدرا، ۱۳۶۱الف: ۲۳)؛ هر چند روایات خلق ارواح قبل از بدن‌ها را تأویل می‌نماید. اشکال دیگری که مخالفان عالم ارواح مطرح می‌کنند این است که لازمه پذیرش عالمی پیش از دنیا، انتقال روح در بدن‌های متعدد است که همان قول به تناسخ و محال عقلی است (مفید، ۱۴۱۳: ۸۴-۸۱).

۲. عالم ذر

روایات گسترده‌ای در منابع شیعه و سنی بر حضور جمعی انسان‌ها به صورت روح همراه با بدن ذری در مرحله‌ای پس از عالم ارواح و پیش از دنیا^(۷) دلالت می‌کنند که از آن به «عالم ذر»، «عالم عهد و میثاق» و «عالم الست» تعبیر شده است. تعداد این روایات به گونه‌ای است که برخی آن را در حد تواتر معنوی دانسته و گروهی قائلند این روایات از تواتر گذشته‌اند.^(۸)

در اثبات وجود عالم ذر به آیاتی از قرآن نیز استناد شده است (نجم/۵۶؛ انسان/۱؛ اعراف/۱۰۱؛

این مرتبه وجودی، واجد همه کثرات نفوس جزئی به نحو اجمالی و بسیط است و در حقیقت نحوه وجود نفس قبل از بدن، وجود علت نفس (عقل مفارقی) است که نفوس را افاضه می‌کند (ملاصدرا، ۱۳۶۱: ۲/۲۴۳).

د) عالم ملکوت: علامه طباطبایی معتقد است انسان در نشئه ملکوت که مقدم بر نشئه دنیاست، پیمان سپرد. البته این تقدم از نوع تقدم رتبی است نه زمانی، زیرا بین دو نشئه ملک و ملکوت انسان جدایی نیست و تقدم ملکوت بر ملک همان تقدم «کن» بر «یکون» می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸/۳۲۱).

ه) موطن وحی و رسالت: آیه در مقام بیان واقعیت است نه تمثیل؛ اما موطن اخذ میثاق همان موطن وحی و رسالت انبیاست. به این معنی که خداوند به لسان عقل و وحی و با زبان انبیا، از انسان میثاق گرفته است (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۲۶).

از مجموع روایات عالم ذر نتیجه می‌شود که عالم ذر عالمی غیر از عالم ارواح است. احادیث از خلقت ذری انسان‌ها در آن عالم، عاقل و مختار بودن انسان‌ها در آن عالم (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵/۲۳۷، ح ۱۷)، شهود حق تعالی با علم حضوری، اخذ پیمان و اقرار به ربوبیت خدا و نبوت حضرت محمد (ص) و ولایت امامان (ع) (همان: ۲۳۶)، ابتلا و آزمایش الهی (همان: ۲۶/۲۷۹)، فراموشی موقف میثاق و باقی ماندن معرفت حاصل از آن موقف در فطرت انسان (همان: ۵/۲۵۵) حکایت دارند. گروهی توصیف عالم ذر به «ذر اول» در بعضی روایات و تفاوت مضمون روایات در مورد تصویر عالم ذر را دلیل بر احتمال وجود عوالم ذر متعدد دانسته‌اند (همان: ۵۲/۲۸۷، قمی، ۱۴۰۴: ۲/۳۴۰).

۲-۲. اشکالات عقلی و نقلی بر عالم ذر

آنچه پذیرش ظاهر آیات و روایات عوالم پیشین

یس/۶۰-۶۱؛ ...). مهم‌ترین آیه‌ای که قائلین عالم ذر در اثبات مدعای خویش به آن استشهد کرده‌اند آیه ۱۷۲ سوره اعراف است که تقریباً تمامی روایات عالم ذر ذیل تفسیر این آیه از جانب معصومین (ع) وارد شده‌اند. خداوند در این آیه به خروج ذریه از صلب آدم و گرفتن شهادت بر خویشان و اقرار همه انسان‌ها به ربوبیت پروردگار اشاره می‌کند: «و إذ أخذ ربک من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم و أشهدهم علی أنفسهم أأست بریکم قالوا بلی شهدنا أن تقولوا یوم القیامه إنا كنا عن هذا غافلین».^(۹)

۲-۱. دیدگاه‌ها در تفسیر آیه میثاق

عالمان مسلمان، بنا بر رویکرد ظاهرگرایانه، عقل‌گرایانه و باطنی، در تفسیر این آیه رهیافت‌های گوناگونی داشته‌اند. بین اندیشمندان شیعی پنج دیدگاه در تفسیر آیه وجود دارد:

الف) قول مشهور: آیه در بیان واقع از عالم ذر است که قبل از این عالم محقق شده و در آن خداوند رؤیت و بر ربوبیتش اقرار شده و به این وسیله بر فرزندان آدم اتمام حجت شده است. روایات فراوانی طبق این قول وارد شده است.

ب) بیان تمثیلی از آیه: منکرین عالم ذر، آیه را در حد تمثیل فروکاسته و مدعی‌اند آیه در مقام بیان تمثیل است نه آنکه در واقعیت صحنه اشهاد و اقرار تحقق پیدا کرده باشد. ایشان خطاب «الست بریکم» و پاسخ «بلی» را گفت‌وگویی واقعی نمی‌دانند، بلکه آن را زبان حال می‌شمارند. اندیشمندانی چون شیخ مفید (۱۴۱۳: ۴۸-۴۵)، سید مرتضی (۱۴۰۵: ۱/۱۱۴-۱۱۳)، شیخ طوسی (بی‌تا، ۵/۳۰) و... با پذیرفتن چنین رویکردی، به تأویل آیه روی آورده‌اند.

ج) عالم عقلی: نفس پیش از تعلق به بدن در عالم عقول از وحدت عقلی برخوردار بوده و در

را از سوی برخی اندیشمندان با مشکل روبه رو ساخته و رویکرد انکاری یا تأویلی ایشان را به دنبال داشته است، اشکالات عقلی و نقلی‌ای است که درباره عالم ذر مطرح شده است. در این بخش به اختصار و بدون قضاوت یا پاسخ‌گویی، اشکالات را مطرح و سپس در ضمن بیان دیدگاه ملاصدرا و علامه مجلسی، به تفصیل به بررسی اشکالات پرداخته می‌شود.

(الف) خبر واحد بودن روایات: همان‌گونه که اشاره شد، از جمله دلایلی که متفکرین در انکار عالم ارواح و عالم ذر و تأویل روایات به آن استناد می‌کنند، خبر واحد بودن روایات است. آنها معتقدند تعداد روایات این باب به اندازه‌ای نیست که در حد تواتر باشد، از این رو اعتقاد به آنها ضروری و یقین‌آور نیست (سید مرتضی، ۱۴۰۵: ۴/۳۱-۳۰).

(ب) تعارض روایات عالم ذر با یکدیگر: گروهی از اندیشمندان روایات عالم ذر را به چند گروه تقسیم و در صحت این روایات تشکیک کرده و مدعی شده‌اند دلالت و محتوای روایات با یکدیگر تعارض دارند (مفید، ۱۴۱۳: ۳۷).

(ج) تعارض آیه ذر با روایات عالم ذر: آیه ذر به خروج ذرات انسان‌ها از صلب فرزندان آدم اشاره دارد در حالی که روایات ذیل آیه، دلالت بر خروج ذریه از صلب حضرت آدم (ع) دارند. این تعارض موجب شده پذیرش عالم ذر بر اساس ظاهر آیه و روایات از سوی برخی مورد تردید قرار گیرد.

(د) فراموشی عالم ذر: اگر روزگاری انسان در عالم ذر حضور داشته و در آنجا به ربوبیت خدا و نبوت و ولایت پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) اقرار کرده است، چرا هیچ‌یک از انسان‌ها آن صحنه را به یاد نمی‌آورند و نسبت به آن آگاهی ندارند؟ (همان: ۵۳).

(ه) مبهم بودن هدف از آفرینش عالم ذر: از

دیگر اشکالاتی که برخی عالمان آن را دلیلی بر انکار عالم ذر می‌دانند این است که وقتی همه انسان‌ها آن پیمان را به فراموشی سپرده‌اند، هدف از خلق عالم ذر و پیمان گرفتن از انسان‌ها چه بوده است؟ ادامه آیه ۱۷۲ اعراف، هدف از عالم ذر را اتمام حجت بر انسان بیان می‌کند در حالی که همه انسان‌ها آن را فراموش کرده و به یاد نمی‌آورند. نسیان آن عالم، با هدفی که از برپایی آن بیان شده است، در تعارض بوده و نقض غرض است و نمی‌توان انسان‌ها را برای چیزی که هیچ از آن به یاد ندارند، مسئول و مکلف دانست و در قیامت آنها را مؤاخذه کرد؛ به‌ویژه اگر برخلاف اراده خود، آن را به طور کامل فراموش کرده باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸/۷).

(و) امتناع تعطیل و تناسخ: برخی از فیلسوفان و متکلمان در انکار عالم ذر بیان می‌کنند که اگر آفرینش نفس انسان بر بدن طبیعی او مقدم باشد، نفس قبل از آفرینش بدن دنیوی و تعلق نفس به آن، در آن نشئه یا به بدنی غیر از این بدن، تعلق داشته یا بدون اینکه به بدنی مادی تعلق و در آن تصرفی داشته باشد، حاضر بوده است. حالت اول بیان‌کننده تناسخ و صورت دوم در بر دارنده تعطیل قوای نفس از هر گونه فعل و انفعال است که هر دو شق عقلاً باطل و ممتنع است، بنابراین حدود نفس مقارن با حدوث بدن است (بغدادی، ۱۳۷۳: ۲/۳۷۷).

رویکرد ملاصدرا به آموزه حیات انسان پیش

از دنیا

عالم پیشادنیاز نظر ملاصدرا بحثی بسیار عمیق و دور از دسترس اذهان عادی بشر است که شأن بالای آن موجب می‌شود نتوان آن را برای هر کس بیان کرد. به اعتقاد وی «ذوق هر شخصی توان ادراک آن را ندارد بلکه اکثر طبایع از شنیدن آن

عالم مثال و عالم طبیعت منحصر می‌باشند (همان: ۹/ ۱۹۴ و ۲۲۸؛ همو، بی تا: ۴۳۵).

به عقیده ملاصدرا، بین این عوالم اختلاف تشکیکی وجود دارد. بنا بر قاعده تشکیک، وجود یک حقیقت ذومراتب است که ما به الاختلاف در وجودات متکثر عین ما به الاشتراک آنها است و امتیاز و اختلاف مراتب کثرات، به شدت و ضعف و نقص و کمال در وجود بازمی‌گردد. بین این عوالم نیز رابطه شدت و ضعف و نقص و کمال برقرار است. عالم عقل نزدیک ترین عالم به واجب تعالی و از نظر وجودی شدیدتر از دیگر ممکنات است. پس از عالم عقل، عالم مثال قرار دارد که معلول عقل است و عالم طبیعت که در مرتبه انتهایی قرار می‌گیرد (همو، ۱۳۷۱: ۶۳۴). این عوالم از یکدیگر منفک و جدا نیستند بلکه بین آنها رابطه‌ای حقیقی، طولی و علیت برقرار است و نهایت هر عالم، آغاز عالم بالاتر است (همو، ۱۹۸۱: ۸/ ۳۹۶). از آنجا که هر علت تمام کمالات معلول‌های خود را داراست و هر معلول به نحو اتم و اکمل در علت خود حضور دارد، هر عالم از تمام کمالات عوالم مادون خود برخوردار است (همو، ۱۳۷۱: ۶۳۴). ملاصدرا عوالم پیشادانیا را بر عالم عقل که عالم مفارقات و مجردات است و در آن عقل فعال سبب پیدایش نفوس انسانی می‌باشد، تطبیق می‌دهد.

۲. مراتب وجود نفس انسانی

بر اساس مبنای ملاصدرا، هر ماهیت واحد در عوالم مختلف به‌انحای وجودی گوناگون حضور دارد که برخی مادی، برخی مثالی و برخی عقلی بوده و از نظر شدت و ضعف متفاوت هستند (همو، ۱۹۸۱: ۸/ ۴۹۷). ماهیتی که در طبیعت موجود است، انحای وجودی کامل‌تری در عالم مثال و عقل دارد که وجودهای برتر همان ماهیت می‌باشند (همو، ۱۳۸۳:

مشمئز می‌شوند؛ همچون شخصی که از بوی معطر گل مشمئز می‌شود» (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ۸/ ۳۳۷). او با وجود اعتقاد به تواتر روایات عالم ارواح و ذر، آفرینش ارواح دو هزار سال قبل از بدن‌ها در دنیا و خطاب قرار گرفتن ایشان در عالم ذر را به دلیل وجود ادله عقلی که تقدم نفوس جزئی بر بدن‌ها را ابطال می‌کند، نمی‌پذیرد (همو، ۱۳۶۱ الف: ۱۳۷). اما توجه وی به آیات و روایات دال بر این موضوع و تلاش وی در جمع بین آنها و دلایل عقلی، باعث شده این احادیث را بر وجود نفوس نزد عقل اول تأویل کند که تنها کینونت معقول آنها قبل از ابدان است (همو، ۱۹۸۱: ۸/ ۳۴۷-۳۴۶).

تبیین ملاصدرا از حیات انسان پیش از دنیا، مبتنی بر مبانی و اصول هستی‌شناسی و نفس‌شناسی وی در حکمت متعالیه می‌باشد. تبیین مراتب عالم، حدود جسمانی نفس و محال بودن تقدم نفس بر بدن که بر پایه اصولی همچون اصالت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری شکل می‌گیرد و ارتباط وثیقی با تفسیر ملاصدرا از عوالم ارواح و ذر دارد، بنابراین برای رسیدن به تصویری صحیح از اندیشه وی در این مسئله، ناگزیر توجه به این مبانی لازم است.

۱. عوالم سه‌گانه وجود

بنا بر بنیادی‌ترین اصل حکمت متعالیه، وجود، اصیل و همان تحقق عینی خارجی است که از جهتی به دو قسم وجود مجرد از ماده و وجود مادی تقسیم می‌شود. وجودات امکانی، با تمام گستردگی و کثرت در سه دسته قرار می‌گیرند: موجودات عقلی و مجرد تام که از تمام آثار ماده مبرا هستند، مجرد مثالی که مجرد از ماده است ولی برخی از آثار و امکان و استعداد‌های آن را دارد، و موجودات مادی که در سه عالم کلی عقل،

۳ / ۲۰۶ و ۲۰۷). نفس انسان نیز وجودی عینی، حقیقی و بسیط است که در عین بساطت، دارای مراتب و انحاء گوناگون وجودی قبل از طبیعت، همراه با طبیعت و بعد از طبیعت است.

صدرالمتألهین معتقد است نفس انسان در عین بساطت، دارای انحاء گوناگون وجود است و وجود نفس پیشادینیا و قبل از عالم طبیعت، وجودی است که هر معلولی در مرتبه علت تامه‌اش دارد و چون علت نفس از جهت ذات کامل و از جهت فعل تمام است و چنین سببی از مسبب خود جدا نمی‌شود، ارواح انسانی با وجود علت و سببشان پیش از بدن‌ها موجود بوده‌اند (همو، ۱۹۸۱: ۸ / ۳۴۶-۳۴۷). او بین این نحو از وجود و وجود بالقوه تفاوت می‌گذارد. وجود شیء در فاعل از نظر حصول شدیدتر و از جهت فعلیت تمام‌تر از وجود نفس آن شیء است. نفس در مرحله وجود عقلی از هرگونه آثار و خواص مادی به‌دور است و هیچ‌گونه حجابی بین او و مشاهده حقایق وجود ندارد، تمام کمالات نوعی عقلی خود را به‌صورت بالفعل دارد و هر ادراک عقلی که برای نوع آن امکان داشته باشد، در او فعلیت یافته است (همان: ۳۵۳). نفس انسان که به‌صورت مجرد تام در عالم عقلی حضور واحد جمعی دارد و کثرتی در آن نیست، نمی‌تواند به بدن مادی تعلق گیرد بلکه به‌تدریج تنزل یافته، رقیق شده و به عالم مثال راه می‌یابد که بین عالم عقل و عالم ماده است و با تنزلی دیگر، صورت مادی گرفته و به ابدان تعلق پیدا می‌کند.

تسری بحث حرکت از اعراض به جوهر اشیاء، از اصول اساسی حکمت متعالیه، از امتیازات این مکتب نسبت به مکاتب پیشین و از نوآوری‌های ملاصدرا در فلسفه به‌شمار می‌آید. تبیین نحوه ارتباط عالم با حضرت حق و نیز کیفیت تکامل جوهر نفسانی از ثمرات این بحث است. در فلسفه

صدرایی، حرکت، نحوه وجود و نوعی بودن است و حرکت جوهری حرکتی ذاتی و منشأ حرکت‌های ظاهری در اشیاء و به‌معنای واحد سیال بودن جوهر است که با توجه به تشخیص وجود، وحدت و اتصال موضوع در طول حرکت باقی می‌ماند. تبیین صدرا از نحوه پیدایش نفس و چگونگی تکامل آن در گرو پذیرش این اصل است. در نگاه وی نفس جسمانی تنزل‌یافته انسان عقلی است (همو، ۱۳۶۱الف: ۴۰) و از آنجا که حدوث بدن، مرجح و زمینه حدوث نفس است (همو، ۱۹۸۱: ۸ / ۳۳۱-۳۳۲) و حدوث یک امر جسمانی نمی‌تواند مرجح حدوث امری مجرد و مباین با آن باشد، نفس جسمانیه الحدوث است (همان: ۳۴۷). در اندیشه ملاصدرا نفس و بدن ترکیب اتحادی دارند و تعلق نفس به بدن تعلقی ذاتی و جدانشدنی است (همان: ۱۱). نفس صورت نوعیه، نحوه وجود و تمام و عین بدن است (همان: ۵ / ۲۸۷) که گرچه با بدن حادث می‌شود اما در بقای خویش از آن بی‌نیاز (همان: ۸ / ۳۸۵) و فساد او با فساد بدن محال است (همو، ۱۳۸۲: ۲۲۴). نفس انسان در ابتدا صورتی منطبع در جسم است که با حرکت اشتدادی جوهری و فعلیت استعدادهایش، با عبور از مرحله جسمیت مطلق و پس از پشت سر نهادن مراحل نباتی و حیوانی، به مرتبه عقل عملی و سپس عقل نظری، و در ادامه به حد عقل بالفعل و عقل فعال رسیده و به موجودی مجرد تبدیل می‌شود (همو، ۱۳۶۱الف: ۲۴۳). در میان جانداران تنها انسان دارای چنین ویژگی است که از پایین‌ترین درجات وجود به مرتبه مجرد عقلی می‌رسد (همو، ۱۹۸۱: ۹ / ۱۹۴) که معنای حدوث جسمانی نفس و بقای روحانی آن است.

۳. چگونگی حضور نفس انسان در عالم پیش از

دنیا

با توجه به تبیین ملاصدرا از مراتب وجودی نفس

از جهت ذات یا فعل، نیازمند ماده‌اند. آن فرد کامل، ریشه و مبدأ و سایر افراد آن نوع، شاخه، معلول و آثار آن فرد کامل هستند (همو، ۱۹۸۱: ۶۲/۲).

به نظر ملاصدرا خطاب آیه «الست بربکم» در اخذ میثاق نیز متوجه حقیقت انسان بوده که در عالم عقلی و اقلیم ربوبی موجود است (همو، ۱۳۶۱: ۲/۲۴۳). او با توجه به آیه «ألم أعهد إليکم یا بنی آدم أن لا تعبد الشیطان...»، محتوای عهد و پیمان خدا با انسان را نحوه خلقت انسان بر فطرت الهی و معرفت توحیدی و لوازم درک آن معرفت می‌داند که خداوند در وجود انسان به امانت گذاشته است: «عهد خدا با بنی آدم همان نحوه خلقت خدا بر فطرت استعداد و پذیرش است تا علم توحید را در ذاتشان به ودیعه گذارد همان که با الست بربکم به آن اشاره می‌کند... و میثاق آن عهد، رسوخ معقولات اولیه و ادله عقلی و شواهد سمعی برای درک توحید، در جان آنها و وجود و استمرار آن لازمه ذاتی آنهاست به طوری که اگر صفات انسانی و حجب جسمانی بدر آیند، آن علم (توحید) به عنوان ظاهرترین و روشن ترین امر برای آنها اشکار می‌گردد و همین معنای اشهاد آنها بر جانشان است.» (همان: ۵/۲۱۵).

بنابراین در مجموع می‌توان گفت از منظر صدرا نفوس انسانی قبل از تعلق به بدن، وجودی جمعی در عالم مفارقات و مجردات تام داشته‌اند، آن‌گونه که هر معلولی در مرتبه علت خویش حضور دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۵: ۱/۲۶۶). نفس پیش از تعلق به بدن در عالم عقول از وحدت عقلی برخوردار بوده و در این مرتبه وجودی، واجد همه کثرات نفوس جزئی به نحو اجمالی و بسیط بوده است و نحوه وجود نفس قبل از بدن، وجود علت نفس (عقل مفارقی) است که نفوس را افاضه می‌کند (همان: ۳۰۲). بنابراین صدرا تقدم عقلی ارواح بر ابدان را از جهت حضور در مرتبه

و مراحل تنزل و چگونگی حدوث آن، معنای ظاهری روایات «خلق ارواح دو هزار سال قبل از بدن‌ها»، تنها تقدم ذاتی نفس را تایید می‌کند و بر تقدم زمانی نفوس بر بدن‌ها دلالت ندارد (همان: ۳۸۲/۸). مقصود روایات وجود نفوس انسانی با همین کثرت فردی که هر یک از افراد آن معین و مشخص باشند، پیش از حدوث بدن‌ها نیست، زیرا اکتفا به معنای ظاهر روایات منجر به محالات عقلی غیر قابل حل می‌شود. وی نیاز نفس به قوا و ابزار را دلیلی بر حدوث آن می‌داند، زیرا قدم نفس به معنای کمال ذاتی نفس و عدم راه‌یابی هر گونه نقص و کمبودی در نفس است که لازمه آن بی‌نیازی از آلات و قوای نباتی و حیوانی است (همان: ۳۳۲-۳۳۱). لازمه دیگر قدم نفس راه نداشتن هر گونه تغییر و استحاله در نفس و همراه داشتن همیشگی کمالات است (همان: ۳۳۱). جسمانی بودن حدوث نفس با وجود نفس در عالم عقلی پیش از عالم طبیعت، تعارضی ندارد؛ آن وجود مجرد حقیقت وجود طبیعی نفس و این وجود جسمانی، رقیقه آن وجود عقلی است.

ملاصدرا در پاسخ به اشکالی که دلالت برخی آیات و روایات را با نظریه حدوث جسمانی مغایر دانسته است، بین روح و نفس تفصیل نهاده و بیان می‌کند که مراد از ارواح در آیات و روایات نفوس نیست و مقام روح، غیر از مقام نفس است. به اعتقاد وی، هر انسانی نفسی حادث دارد اما روح انسانی سرّی از اسرار الهی است که جز برای انسان‌های کامل، برای دیگر انسان‌ها حاصل نمی‌شود؛ منظور از آفرینش ارواح قبل از اجساد، خلق ارواح کامل است (همو، ۱۳۸۵: ۱۱۹). در اندیشه ملاصدرا برای هر نوع از انواع جسمانی، فردی کامل و تام در عالم مجردات وجود دارد که به ماده و محلی احتیاج ندارد تا بدان تعلق یابد، برخلاف افراد دیگر که به علت ضعف و نقصانشان،

علل هستی بخش‌شان می‌پذیرد اما تقدم آنها را از آن جهت که نفس‌اند محال می‌داند. «افراد انسان پیش از دنیا، حقایقی عقلی دارند که از صلب پدر عقلی شان خارج شده‌اند. خداوند بر آنها پیش از وجودشان تجلی کرده و آنها را تربیت می‌کند. آنها خدا را بی‌هیچ تلاشی دیده‌اند. ندای او را شنیده‌اند و با اقرار به وحدانیت و ربوبیتش در عالمی پیش از این عالم، اجابتش کرده‌اند» (ملاصدرا، ۱۳۶۱ الف: ۲۴۵). به باور وی، انسان در مقطعی از حیات خویش نسبت به خداوند معرفت حضوری داشته و به سبب چنین معرفتی، به الهیت و ربوبیت پروردگار اعتراف کرده است. آیه ۱۷۲ اعراف دلالت دارد که نفوس در عالمی که بلده الحرام و مدینه السلام و وطن پدر اصلی و زادگاه روح قدس آنها بود، درحالی که در صلب حضرت آدم (ع) قرار داشتند، مورد مشاهده و نگرش حق تعالی بودند، جمال مطلق الهی را مشاهده نمودند و این مشاهده موجب اعتراف به الهیت و اقرار به ربوبیت خدا شد؛ ولی در عالم دنیا که خانه دوری و جدایی و جایگاه رنج و ناراحتی است، به واسطه وجود قوا و کاستی‌ها و پستی‌های بدنی و خوی‌های بد و زشت، چشم دل انسان از دیدن حق و مشاهده جمال و جلال او ناتوان و نفسش محجوب گردیده و آن عوارض، پرده و حجابی میان چشم انسان و قرص خورشید شده است (همو، ۱۳۷۱: ۴۷۱-۴۷۰).

رویکرد علامه مجلسی به مسئله حیات انسان

پیش از دنیا

علامه مجلسی، نماینده جریان حدیث‌گرای مکتب اصفهان، در مباحث اعتقادی بیشتر از روش نقلی و مراجعه به آیات قرآن و احادیث معصومین (ع) بهره برده و مبانی و اصول عقاید خود را از علوم وحیانی گرفته است. آراء و نظرات وی درباره

موضوع عوالم پیش از دنیا، با مراجعه به روایاتی که ذیل این موضوع آورده، قابل استخراج است. او در مواضع مختلف دو کتاب بحار الانوار و مرآة العقول، از عالم ارواح و عالم ذر بحث کرده است. در باب «خلقت ارواح پیش از بدن‌ها»ی کتاب بحار الانوار، نوزده روایت را نقل می‌کند و با توجه به روایات ابواب دیگر که با این موضوع پیوند و ارتباط معنایی دارند، این احادیث را قریب به تواتر شمرده و به تقدم ارواح پیش از بدن‌ها تصریح می‌کند.

بنا بر انسان‌شناسی وی، انسان ترکیبی از جسم و روح است و روح و جسم، هر دو اصالت دارند و میان آنها، با وجود غایت آشنایی، نهایت بیگانگی برقرار است (مجلسی، ۱۳۸۰: ۳۹۲). او تجرد روح را نمی‌پذیرد و معتقد است روح جسم لطیف نورانی ملکوتی است که بر تجرد یا مادی بودن آن دلیل عقلی اقامه نشده است و اخبار و روایات بر جسمانی بودن روح دلالت دارند (همو، ۱۴۰۳: ۵۸/۱۰۴). بنا بر این نظر، روح مجرد محض نیست و به نحوی آمیخته با ماده است و اشکال کثرت ارواح قبل از تعلق به بدن‌ها که فلاسفه بر وجود ارواح پیش از دنیا وارد می‌کنند، مطرح نیست.

شیخ مفید روح را موجودی مجرد و غیر جسمانی معرفی می‌کند که حجم و مکان ندارد. روح اگرچه جوهری بسیط است اما برای انجام افعال خود به بدن نیازمند است. در اندیشه وی، قبول آفرینش ارواح قبل از خلق بدن‌ها، مستلزم پذیرش قول تناسخ است، بنابراین منظور روایات از خلقت ارواح قبل از آفرینش بدن‌ها را به خلق تقدیری ارواح در علم الهی نه خلق ذوات ارواح تأویل کرده است (مفید، ۱۴۱۳: ۵۳). به این معنا که خداوند ابتدا ارواح را تقدیر کرد و سپس بدن‌ها را آفرید. علامه مجلسی با رد اشکال تناسخ، معتقد

علامه مجلسی با تفکیک عالم ارواح از عالم ذر، بین آنها تمایز نهاده و هر دو را غیر از عالم مثال دانسته است (همو، ۱۴۰۴: ۵/ ۱۶۲). وی حضور انسان در عالم ارواح را صرف روح می‌داند اما معتقد است در عالم ذر ارواح به بدن‌های ذری تعلق گرفته‌اند (همو، ۱۴۰۳: ۵/ ۲۵۷). او تعبیر «ذر» در روایات و دلیل تشبیه به ذره را کوچک بودن اجزایی می‌داند که هنگام اخذ میثاق، ارواح به آنها تعلق گرفت. بر خلاف ملاصدرا که عالم ذر را فرازمانی و تقدم آن را تقدمی ذاتی می‌داند، علامه آن عالم را عالمی زمانی می‌داند و برای زمان اخذ میثاق، دو احتمال در نظر گرفته است؛ زمان حضور انسان‌ها در صلب حضرت آدم(ع) یا پس از استخراج آنها از صلب وی (همو، ۱۴۰۴: ۵/ ۱۶۰). بنا بر اندیشه علامه مجلسی خداوند در عالم ذر همچون عالم دنیا، اسباب معرفت و ابزار مادی شنیدن و سخن گفتن را در اختیار آدمی قرار داد. در آن مرحله ارواح به بدن‌های ذری تعلق گرفتند و به وسیله عقل و ابزار شنوایی که خدا به آنها عطا کرد، خطاب الهی را فهمیدند و با وجود اینکه ذره‌ای بیش نبودند، پاسخ گفتند (همو، ۱۴۰۳: ۵/ ۲۵۷).

بحث و نتیجه‌گیری

حضور انسان در پیشادانیا از مسائل چالش‌برانگیز و مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده که نصوص دینی در جهت‌دهی و چگونگی تبیین ایشان از آن نشئه از حیات آدمی، نقش به‌سزایی داشته‌اند. برخی آیات و شمار گسترده‌ای از روایات در منابع شیعه و سنی بر حضور انسان در عالم پیشادانیا دلالت می‌کنند. برخی عالمان مسلمان در مواجهه با این نصوص، ظاهر آیات و روایات را پذیرفته و بر حضور انسان در عالم ارواح و ذر تأکید کرده‌اند. عده‌ای آن را انکار کرده

است هیچ دلیلی بر محال بودن قیام ارواح به خویشتن یا تعلق آنها به اجساد مثالی در عالم ذر و سپس تعلق آنها به اجسام عنصری در این جهان، وجود ندارد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۸/ ۱۴۴)، اما در اثبات مدعای خویش دلیل و توضیحی نیاورده و صرفاً به این بیان بسنده می‌کند.

به نظر شیخ مفید و دیگر مخالفان قول خلق ارواح پیش از بدن‌ها، فراموشی عالم ارواح و ذر، دلیلی بر رد حقیقی بودن عالم ذر است. علامه مجلسی در مقام دفاع از عوالم پیشادانیا و علت نسیان آن عالم، چند احتمال را مطرح می‌کند؛ از جمله اینکه انسان‌ها به علت دگرگونی حالات گوناگون یا فقدان قوای بدنی، خاطرات آن عالم را فراموش کرده باشند؛ همان‌گونه که بسیاری از خاطرات ولادت و کودکی خود را نیز به یاد نمی‌آورند. از سویی، با توجه به اینکه یادآوری و نسیان هر دو صنع خدا هستند، احتمال دارد خداوند حکیم بنا بر مصلحتی که بر انسان پوشیده است، این فراموشی را پدید آورده باشد. بنابراین در نظر وی، تأویل شیخ مفید بسیار دور از ظاهر احادیث است (همانجا).

علامه مجلسی تأویل آیه ذر بر استعاره و تمثیل را نیز رد کرده و معتقد است در حقیقت معنای روایت نزد قائلین این نظریه این است که خداوند ارواح را به‌گونه‌ای خلق کرده که وقتی در عالم ابدان مورد سؤال قرار می‌گیرند، با زبان جسمی خود پاسخ می‌دهند که این معنا دور از حقیقت است (همان: ۶۷/ ۱۰۱). وی با این بیان، قول کسانی چون شیخ مفید و سید مرتضی را رد می‌کند. او ضمن رد نظریه «حدوث روح همراه با حدوث بدن» ملاصدرا، دلایل این دیدگاه را کافی نمی‌داند و معتقد است با استناد به این دلایل نمی‌توان روایات عالم ارواح را رد کرد (همان: ۵۸/ ۱۴۱).

اشکال تناسخ را وارد نمی‌داند. او همچنین نظریه حدوث جسمانی نفس همراه با حدوث بدن را نپذیرفته و روح را یک جسم لطیف نورانی معرفی کرده است. او بنا بر ظاهر روایات، بین عالم ارواح و عالم ذر تفکیک نهاده و معتقد است انسان‌ها در عالم ارواح به صورت روح تنها و در عالم ذر به صورت ارواح متعلق به بدن‌های ذری حضور داشته‌اند که خداوند عقل و اسباب معرفت را در اختیار آنها قرار داده و آنها را مستدل نکرده و تنها به بیان برخی احتمالات بسنده نموده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. اولین آفرینش خداوند که در روایات تحت عنوان «خلقت نوری» از آن یاد شده است، با این بحث پیوند دارد. برخی عقیده دارند آفرینش نوری انبیا و اولیای الهی در عالم انوار که عالمی مختص به ایشان و قبل از عالم ارواح بوده، رخ داده است (افضلی، ۱۳۹۶: ۳۳).
۲. در نگاه دینی از ماده اولیه آفرینش انسان به طینت تعبیر شده است. ارواح انسان‌ها در عالم ارواح مورد آزمایش الهی قرار گرفتند؛ برخی از این آزمایش سربلند بیرون آمده و گروهی از فرمان الهی سر باز زدند. بر اساس عملکرد ارواح، طینت افراد مشخص شد؛ افراد نیکوکار از طینت علین و کافران از طینت سجنین آفریده شدند. طینت پاک بستری برای رسیدن به سعادت و طینت ناپاک زمینه‌ای برای شقاوت انسان است. پذیرش طینت و سرنوشت از پیش تعیین شده، شبهاتی به مسئله اختیار انسان و عدل الهی وارد می‌کند.
۳. بنا بر آموزه‌های وحیانی معرفت انسان نسبت به خدا معرفتی فطری از نوع علم حضوری است. این معرفت صنع خداوند است که در عالم ذر در نهاد انسان به ودیعه سپرده شده به گونه‌ای که در روایت آمده اگر این معرفت در وجود آدمی نبود کسی خالق خویش را نمی‌شناخت. برای یافتن این پیوندها و نیز پاسخ به اشکالات و شبهات، کاوش در عوالم پیشین و نحوه حضور انسان در آنها لازم و ضروری است.
۴. در روایات لفظ «نور» یا «انوار» در بیان آفرینش نخستین استعمال شده است. برخی اندیشمندان با توجه به مضمون این نقل‌ها معتقد به وجود «عالم

و گروهی به دلیل اشکالات نقلی و عقلی بر این آیات و احادیث از جمله تناسخ و تعطیل قوا و نیز خبر واحد بودن روایات، به تأویل آنها پرداخته‌اند. ملاصدرا روایات این باب را در حد تواتر و از ضروریات مکتب امامیه دانسته است. ولی بنا بر اصول حکمت متعالیه، از جمله تبیین مراتب سه‌گانه عالم و حدوث جسمانی نفس، وجود نفوس انسانی قبل از تعلق به بدن‌ها با کثرت فردی که هر یک از افراد آن معین و مشخص باشند را نپذیرفته است. او حضور نفوس انسان در عالم پیشادینیا را وجود جمعی عقلی بسیطی می‌داند که کثرتی در آن راه ندارد، همان‌گونه که هر معلولی در مرتبه علت خویش حضور دارد. بنابراین در نظر وی روایات بر تقدم ذاتی نفس تأکید دارند و خطاب در آیه ۱۷۲ سوره اعراف نیز متوجه حقیقت انسانی بوده است. ملاصدرا پذیرفته است که انسان در آن عالم مراتبی از معرفت و علم حضوری به پروردگار خویش دارد. با توجه به جزئیات و ویژگی‌هایی که در آیات و روایات به آنها پرداخته شده، تبیین و تفسیر ملاصدرا از عالم پیشادینیا، تأویلی دور از ظاهر به نظر می‌رسد. اگر تقدم ارواح بر بدن‌ها به معنای حضور ارواح نزد سببشان باشد، در آن صورت تفاوتی بین ارواح و بدن‌ها نیست، زیرا بدن‌ها نیز نزد علت خود حاضرند. از سویی، ملاصدرا معتقد است تمام ماهیات نوعی دارای مراتب و انحای گوناگون وجود هستند که در مرتبه‌ای از وجود عقلی بهره‌مند می‌باشند و این ویژگی اختصاص به انسان‌ها ندارد، درحالی‌که حاصل تأمل در روایات این است که عالم ارواح و ذر مخصوص انسان‌ها بوده است.

علامه مجلسی روایات عالم ارواح و ذر را مستفیض و قریب به تواتر دانسته، تأویل عالم ارواح و ذر را به تمثیل و استعاره رد کرده و

۸. شیخ حر عاملی معتقد است تعداد روایات اخذ میناق به تنهایی از تواتر گذشته است (حر عاملی، ۱۳۷۶: ۱/ ۴۲۰-۴۲۵). وی می‌گوید: «چه بسا برخی از متکلمین این روایات را به سبب دلیل ظنی ضعیف غیر تامی که از احادیث جواب آنها ظاهر است، انکار کرده‌اند؛ بلکه اطفال نیز از پاسخ آنها عاجز نیستند پس توان مقاومت در برابر آیات قرآن و روایات متواتر را ندارند» (همان: ۴۵۶). آیت‌الله خوئی این روایات را در حد تواتر معنوی می‌داند (خوئی، ۱۴۰۰: ۲/ ۱۴۸). علامه امینی در رساله‌ای در شرح آیه «ذر»، نوزده آیه و صد و سی حدیث نقل می‌کند که چهل روایت آن را صحیح اصطلاحی می‌داند (امینی، ۱۴۳۴: ۱۴۰۴-۱۳۹). بزرگانی همچون علامه مجلسی (۱۴۰۴: ۱۷/ ۴۰)، فیض کاشانی (۱۳۷۳: ۱/ ۶۲۴)، علامه شعرانی (مازندرانی، بی‌تا: ۸/ ۲۴) و علامه طباطبایی (۱۴۱۷: ۱۶/ ۲۲۴) به این روایات استناد کرده‌اند.

۹. «و (به خاطر بیابور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت و آنها را گواه بر خویشتن ساخت؛ (و فرمود: «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می‌دهیم!») (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگویند: «ما از این، غافل بودیم؛ (و از پیمان فطری توحید بی‌خبر ماندیم)»! (اعراف/ ۱۷۲).

منابع

قرآن کریم.
آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غر الحکم و درر الکلم. تحقیق سیدمهدی رجائی. قم: دار الکتب الاسلامی.
ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۹۹۹م) تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب الاسلامیه.
افضلی، علی (۱۳۹۶) «عوامل پیشین در روایات اهل بیت (ع)». فصلنامه علمی پژوهشی انجمن کلام اسلامی حوزه ش ۱۷. ص ۲۹-۴۶.
امینی، عبدالحسین (۱۴۳۴ق). المقاصد العلیة فی المطالب السنیة. تحقیق سیدمحمد طباطبایی یزدی. قم: دار التفسیر.
بغدادی، ابوالبرکات (۱۳۷۳). المعبر فی الحکمة. اصفهان: انتشارات دانشگاه.
بیابانی اسکویی، محمد (۱۳۹۴). جایگاه عالم ذر و

انوار» پیش از عالم ارواح شده‌اند که عالمی مخصوص به انبیا و اولیای الهی بوده و در آن انوار انبیا و اولیا بدون روح، حاضر و به تسبیح و تقدیس خدای متعال مشغول بوده‌اند (افضلی، ۱۳۹۶: ۳۳).

۵. در دسته‌ای از روایات زمان تقدم آفرینش پیامبر (ص) پنج‌هزار سال پیش از خلقت ابدان دانسته شده است (صدوق، ۱۳۸۵: ۱/ ۲۰۸).

۶. بنا بر روایات، ارواح در آن عالم به صورت دسته جمعی در کنار یکدیگر بوده و با هم ائتلاف و اختلاف داشته‌اند. ارواح انسان‌هایی که در آن عالم با یکدیگر ائتلاف داشته‌اند در این دنیا با یکدیگر دوستی، و ارواحی که در آنجا از یکدیگر تنافر داشته‌اند در این دنیا از یکدیگر دوری می‌کنند. اخوت و دوستی ارواح در آن عالم فعل خداوند است (صدوق، ۱۴۱۴: ۴۸) و منشأ گروه‌بندی ارواح و دوستی و دشمنی آنها، ایمان و کفر آنها بوده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۸/ ۱۳۱). یکی از وقایع آن دوره، معرفی روح پیامبر (ص) و امیرالمومنین (ع) به همه، به‌ویژه شیعیان است. از طرفی، ارواح مؤمنان نیز قبل از خلق بدن‌ها به پیامبر (ص) و امام علی (ع) عرضه شده‌اند و ایشان ارواح مؤمنین را شناخته‌اند (حلی، ۱۴۱۷: ۱۶۶ و ۱۷۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶/ ۱۲۱؛ همان: ۱۳۸/ ۶۱). حب و بغض‌های افراد در عالم دنیا نسبت به ائمه (ع)، مسبوق به عالم ارواح است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۸/ ۱۳۲).

از جمله خصوصیات عالم ارواح که در لسان اهل بیت (ع) آمده، رتبه بندی ارواح در آن عالم است. بالاترین رتبه از آن ارواح پیامبر (ص) و ائمه (ع) بوده و بعد از ایشان به ترتیب درجات ایمانی، ارواح رتبه‌بندی داشته‌اند (همان: ۱۳۶؛ صدوق، ۱۴۰۳: ۱۰۸). ارواح قبل از خلقت بدن‌ها، در هوا ساکن بودند (کشی، ۱۳۶۳: ۳۹۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۸/ ۱۳۲). در دسته‌ای از روایات به علت هبوط ارواح انسان‌ها توسط خداوند اشاره و جلوگیری از غرور و تکبر و ادعای ربوبیت ارواح انسان‌ها عامل قرار گرفتن ارواح در بدن‌ها بیان شده است (صدوق، ۱۳۸۵: ۱/ ۱۵).

۷. برخی روایات به حضور انسان در پیشادینا به صورت روح صرف تصریح دارند اما برخی از حضور انسان همراه با بدنی ذری سخن می‌گویند. بعضی علما با توجه به مضامین روایات معتقدند عالم ذر بعد از عالم ارواح بوده است (مازندرانی، بی‌تا: ۹/ ۱۳).

- ارواح در فطرت توحیدی انسان. تهران: نبأ.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). تفسیر موضوعی قرآن کریم (فطرت در قرآن). قم: اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۶). الفصول المهمفی اصول الأئمه. تحقیق محمد قائینی. قم: مؤسسه امام رضا(ع).
- حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۹). سرح العیون فی شرح العیون. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷ق). خلاصة الاقوال. قم: نشر الفقاهه.
- خوئی، حبیب الله (۱۴۰۰ق). منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة. تحقیق ابراهیم میانجی. تهران: مكتبة الإسلامية.
- سید مرتضی، علی بن الحسین (۱۴۰۵ق). رسائل الشریف المرتضی. قم: دار القرآن الکریم.
- سیوطی، عبدالرحمن جلال الدین (۱۴۰۹ق). تفسیر دَر المثور. بیروت: دار الفکر.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵ق). علل الشرایع. نجف: حیدریه.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). معانی الاخبار. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۴۱۴ق). التوحید. تهران: مكتبة الصدوق.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبری، محمد بن جریر (بی تا). تفسیر جامع البیان. بیروت: دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عراقی، عبدالنبی (۱۳۸۲). روح ایمان. تحقیق ناصر باقری بیدهندی. قم: نور الصفیاء.
- فیض کاشانی، محمد (۱۳۷۳). تفسیر صافی. تهران: مكتبة الصدر.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی. تحقیق طیب موسوی جزائری. قم: دار الكتاب.
- کشی، محمد بن عمر (۱۳۶۳). اختیار معرفة الرجال. تحقیق مهدی رجایی. قم: مؤسسه اهل البيت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مازندرانی، محمد صالح (بی تا). شرح اصول کافی. به همراه تعلیقات علامه شعرانی. تهران: اسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۰). حق الیقین. اصفهان: کانون پژوهش.
- _____ (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- _____ (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح اخبار آل رسول. تحقیق هاشم رسولی محلاتی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۵). شرح جلد هشتم الأسفار الأربعة. قم: مؤسسه امام خمینی(ره).
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). المسائل السرویه. قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۱الف). العرشیه. تصحیح غلامحسین آهنی. تهران: مولی.
- _____ (۱۳۶۱ب). تفسیر القرآن الکریم. تحقیق محمد خواجوی. قم: بیدار.
- _____ (۱۳۷۱). مفاتیح الغیب. ترجمه و تعلیق محمد خواجوی. تهران: مولی.
- _____ (۱۳۸۲). الشواهد الربوبیه فی مناهج السلوکیه. تصحیح جلال الدین آشتیانی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- _____ (۱۳۸۳). شرح اصول الکافی. تحقیق محمد خواجوی. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۵). مجموعه رسائل فلسفی ملاصدرا. تحقیق و تصحیح حامد ناجی. تهران: حکمت.
- _____ (۱۹۸۱م). الحکمة المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- _____ (بی تا). المبدأ و المعاد. مقدمه و تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی. بی جا.